



## تبیین موقعیت ژئوپلیتیکی اقوام و اقلیت‌ها در ایران مطالعه موردی: قوم کرد

دکتر حجت مهکویی دانش آموخته جغرافیای سیاسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، اصفهان، ایران ۰۹۱۷۷۰۴۷۴۳۵

[hojat\\_59\\_m@yahoo.com](mailto:hojat_59_m@yahoo.com)

حسن باویر دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، اصفهان، ایران ۰۹۱۸۸۴۱۱۲۳۶

سلیمان کریمی دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، اصفهان، ایران ۰۹۱۷۳۴۲۵۰۹۷

### چکیده

گروه‌های قومی مردمی هستند که خود را در یک فرهنگ و میراث مشترک، محصور احساس می‌کنند، اگر چه، پیوندهای آنها ممکن است، با برداشت‌های اجتماعی از نژاد مرتبط باشد. قومیت با بوم‌پایی در ارتباط است، بدین نحو که هویت فضایی می‌تواند بخش مهمی از هویت قومی تلقی شود. اصطلاح قومیت از ریشه‌ی یونانی، به معنی مردم یا ملیت بوده و به علاوه رابطه‌ی نزدیکی با ویژگی‌های فرهنگی مانند زبان دارد. در سال ۱۹۹۳ از ۱۸۰ کشور جهان کمتر از ۱۵ کشور را می‌توان در حکم یک کشور ملی تلقی کرد. بنابراین کشورهای چند ملیتی شایع‌ترین نوع کشور است. در ۴۰ درصد کشورها حداقل ۵ گروه قومی وجود دارد و در ۳۱ درصد کشورها بزرگ‌ترین گروه ملی حتی اکثریت را نیز تشکیل نمی‌دهند. اشکال متعدد جنبش قومی دسته جمعی، به شدت تمایزات قومی یا طبقاتی در منطقه، قدرت نسبی سازمان سیاسی قومی، زمینه‌ی تاریخی خواسته‌های جمعیت‌های قومی، امکانات مادی و جغرافیایی نایل شدن به چنین خواسته‌ها، سطح محرومیت قومی و انتظار توانایی یا ناتوانی دولت در محرومیت‌زدایی، بستگی دارد. در چهار گوشه‌ی سرزمین ایران اقوام مختلفی ساکن هستند. در شمال و شمال شرقی ایران قوم ترکمن ساکن هستند. قلمرو فضایی این قوم از شرق دریای مازندران آغاز و به سمت آسیای مرکزی گسترش می‌یابد. در شمال غربی ایران قوم ترک و در جنوب و جنوب شرق ایران که از مناطق محروم کشور می‌باشد قوم بلوچ ساکن می‌باشد. دوری از مرکز کشور، عوامل جغرافیایی، عدم دستیابی به مشاغل بالای حکومتی و عوامل تقویت کننده مرکزگرایی، باعث شده است تا این قوم خود را در سرنوشت ملی کشور کمتر شریک بدانند و در تحولات بزرگ اجتماعی ایران نقش قابل توجهی به عهده نگیرند. در جنوب غرب ایران در یکصد سال اخیر به دلیل کشف نفت و موقعیت سوق‌الجیشی که دارد از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد، در این بخش از ایران قوم عرب سکونت دارند. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به بررسی وضعیت قوم کرد و موقعیت ژئوپلیتیکی آن پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که قوم کرد در غرب ایران و با توجه به سکونت آنها در سه کشور همسایه و همجوار با هم، از پتانسیل بالای موقعیت ژئوپلیتیکی برای اتحاد برخوردار است.

**کلیدواژه‌ها:** ایران، ژئوپلیتیک اقلیت، قوم، جدایی‌طلبی، قوم کرد



## ۱. مقدمه

در جهان کنونی پنج هزار (به قولی ده هزار) زبان وجود دارد و اگر هر یک از گروه‌های قومی جهان که به زبان خاص خود سخن می‌گویند، قصد آن کنند که تشکیل یک دولت ملی جداگانه بدهند، قطعاً چنین جهانی بسیار متفرق‌تر خواهد بود. از پایان جنگ جهانی دوم به بعد جهان شاهد احیاء موضوع قومیت‌ها به مثابه یک معضل در سیاست، موضوعی مهم در زمینه بسیج سیاسی مردم و منبعی برای منازعات داخلی و بین‌المللی بوده است. (خالدی، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۳) اکنون تنها ۱۰ درصد از کشورهای جهان را می‌توان به لحاظ قومی همگن یا یکدست محسوب کرد. (سعیدامامی، ۱۳۷۷: ۹) در دو دهه‌ی اخیر دو تحول اساسی، یکی در حوزه سیاست و دیگری در حوزه‌ی اندیشه باعث شد تا پژوهشگران به مسائل قومی توجه بیشتری بکنند. سقوط امپراطوری چند ملیتی اتحاد جماهیر شوروی، تجزیه کشورهای چند قومی مانند یوگسلاوی، رشد گرایش‌های قومی در جهان غرب و گسترش مسائل اقوام در برخی از کشورهای جهان سوم، از جمله پدیده‌هایی در صحنه‌های سیاست بودند که بر ضرورت مطالعات قوم‌شناسانه افزودند، هم‌زمان با این دگرگونی‌های عرصه سیاست، جهان اندیشه نیز شاهد دگرگونی مهمی بود، تا چند دهه‌ی پیش از این، مدرنیسم، یکسان‌انگاری جهان و تجویز ترویج نسخه یکسان برای همه جوامع و ملل جهان، بدون توجه به پیشینه تاریخی و ساختار اجتماعی - فرهنگی و حوزه‌های زیستی و جغرافیایی متنوع و متفاوت آنها بود، اما امروزه شاهد ظهور مکتب پسامدرن در حوزه اندیشه و زیر سؤال رفتن بسیاری از ادعاها و موارث مدرنیته، از جمله یکسان‌انگاری آن هستیم. در نتیجه تنوع ارزش و اصالت یافت و در این میان زمینه برای توجه بیشتر به گوناگونی‌های قومی و هویت مستقل آنها فراهم شد. (احمدی، ۱۳۷۸: ۳۳-۳۲)

به نظر می‌رسد که یک اصل پذیرفته شده‌ای است که: هر قدر یک [جامعه‌ای از نظر] قومی همگون‌تر و یکدست‌تر باشند، اقتصاد آن جامعه دارای استحکام و ثبات بیشتری است. نمونه‌هایی از این دست عبارتند از کشورهایی همچون سنگاپور، تایوان و کره جنوبی. تفاوت‌های قومی و نژادی در بسیاری از جنبه‌های توسعه انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در آفریقای جنوبی میانگین طول عمر سفیدپوستان در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی به ۶۸ سال می‌رسید که این رقم ۱۴ سال بیشتر از میانگین ۵۴ سال برای جمعیت سیاه‌پوست این منطقه بود. در کشور مالزی میزان فقر مالی در بین مالزیایی تبارها ۲۴ درصد است که این میزان ۴ برابر بیشتر از درصد میزان فقر در بین چینی تبارها که ۶ درصد است، می‌باشد. در کشور کانادا ۳۵ درصد مردان اسکیمو بیکار هستند در حالی که درصد بیکاری در بین سایر مردان کانادایی تنها ۱۰ درصد است. در آمریکا ۳۱ درصد بومیان امریکایی در فاصله سنی ۲۵ تا ۶۵ سال، مقطع متوسطه دوران تحصیل خود را به اتمام نرسانده‌اند در حالی که این میزان در میان سفیدپوست‌ها تنها ۶ درصد است. این پیشرفت ناموزون در توسعه انسانی در طی سالیان متمادی و وجود تراکم فراوان فقر انسانی نه تنها منجر به تداوم اختلاف‌ها گردیده، بلکه عواملی ایجاد کرده که باعث شکست پیشرفت انسانی در چندین زمینه شده است.

از لحاظ پراکنش جغرافیایی اقوام و مذاهب گوناگون در ایران، دارای توزیع جغرافیایی متفاوتی هستند. به گونه‌ای که در مناطق و چهار گوشه ایران، اقوام با مذاهب متفاوتی ساکن می‌باشند. در شمال غرب ایران قوم آذری زبان با مذهب شیعه، در



جنوب غرب ایران قوم عرب با مذهب شیعه، در شمال و شمال شرق قوم ترکمن با مذهب تسنن، در جنوب شرقی و جنوب قوم بلوچ با مذهب تسنن، و در بخش‌های مرکزی و شمالی اقوام فارس، لر و گیلکی و مازنی با مذهب شیعه ساکن می‌باشند. «ساختار فضایی - جغرافیایی ملت ایران، از دو بخش به هم پیوسته مرکزی و پیرامونی پدید آمده است. در بخش مرکزی، مردم این بخش از حیث خصلت‌های قومی، زبانی، فرهنگی، مذهبی و فضایی، منسجم و همسانند و در پیکره ملت، بدنه اصلی و عمده به شمار می‌روند. و از نظر عوامل گفته شده دارای همگونی و تراکم یکدستی می‌باشند. در بخش پیرامونی که در دشت‌ها و نواحی مرتفع حاشیه جغرافیای ایران سکونت دارند، بر خلاف بخش متراکم و متجانس مرکزی، دچار گسیختگی است و مجموعه‌ای متنوع از گروه‌های فرهنگی و قومی را در بر می‌گیرد. مردمان بخش پیرامونی کشور در برخی از متغیرها و به طور مشخص در زبان و لهجه، قومیت، مذهب و خرده فرهنگ محلی با بخش مرکزی و با یکدیگر تفاوت دارند.» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۴۸-۱۴۹)

## ۲. بیان مسأله

هویت‌های قومی و نسبت آن با هویت ملی یکی از مسائل اساسی در کشورهای چند قومیتی به شمار می‌آید. چگونگی رابطه و مناسبات میان این دو نوع هویت اجتماعی می‌تواند بر روی همبستگی و انسجام ملی در این کشورها تأثیر بگذارد. (امیرکافی و حاجیانی، ۱۳۹۲: ۱۱۷) قومیت‌گرایی می‌تواند دارای تأثیرات منفی نیز باشد. در یوگسلاوی [سابق] پاکسازی قومی باعث ایجاد درد، رنج، فقر و محرومیت در مقیاس وسیع گردیده است. همین امر در کشور آفریقایی رواندا (اقوام هوتو<sup>۱</sup> و توتسی<sup>۲</sup>) نیز روی داده است. در این کشور قوم توتسی تنها بخش کوچکی از جمعیت را تشکیل می‌دهند اما بیشترین عوامل قدرت را در حکومت در اختیار دارند. در آمریکای لاتین تبعیض نژادی، قومی و مذهبی می‌تواند مضر و خطرناک باشد. جمعیت همگن بومی این منطقه در زمینه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی از دیگر گروه‌ها عقب افتاده‌اند. از جمعیت بومی کشور گوآتمالا که ۵۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، ۹۰ درصد در مقایسه با ۵۰ درصد دیگر جمعیت این کشور، در فقر زندگی می‌کنند و تأثیر این فقر به خصوص بر روی زنان بیشتر است. «(هودر، ۱۳۸۵: ۵۲-۴۷) لاجرم، امروزه این آگاهی تجربی وجود دارد که توزیع تبعیض‌آمیز قدرت در جامعه، بی‌گمان سبب‌ساز کشمکش و برخورد سیستماتیک اجتماعی می‌شود. بی‌گمان در هر جامعه‌ای، گوناگونی منافع و تفاوت فرهنگ‌ها وجود دارد که به کشمکش می‌انجامد. برای اینکه این کشمکش‌ها و تعارض‌های بر آمده از ویژگی‌های اجتماعی به ناآرامی و بحران تبدیل نشود، باید به مدیریت آنها پرداخت. ناتوانی در ایجاد چارچوب‌های مناسب نهادی که پذیرای هویت‌های اجتماعی متفاوت شود ناگزیر زمینه ناآرامی را در سطح جامعه فراهم می‌کند.» (دهشیار، ۱۳۸۴: ۷)

در رابطه با ایران، خاصه در مورد قوم کرد باید گفت که بخشی از چالش‌های منطقه‌ای، مانند وجود دولت‌های الحاق‌گرا و بحرانی شدن اوضاع عراق می‌تواند تأثیرات عمده‌ای بر مسایل قومی در ایران به ویژه در مناطق غرب باقی بگذارد. این نکته به ویژه در رابطه با کردستان عراق و تأثیرات آن بر همسایگان آن قابل ذکر است. مادام که مسأله فدرالیسم و اختیارات محلی در کردستان عراق گسترش ویژه‌ای پیدا کند، تأثیراتی به لحاظ ذهنی و ساینسی در کشورهای ایران، ترکیه و سوریه باقی خواهد گذاشت. این نکته به ویژه در رابطه با کردستان ایران قابل توجه است که دارای مرزهای طولانی با عراق است و بحران‌های داخلی نیز در کنار بحران‌های خارجی و منطقه‌ای بر قابلیت بحرانی شدن آن می‌افزاید. (احمدی، ۱۳۸۶: ۲۸)

<sup>1</sup> - Hutu

<sup>2</sup> - Tutsi



### ۳. سوال و فرضیه‌ی تحقیق

این مقاله به روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای به دنبال بررسی این سوال اصلی است که وضعیت و موقعیت اقوام و گروه‌های قومی به ویژه قوم کرد در ایران از منظر ژئوپلیتیک چگونه است؟ و فرضیه‌ی تحقیق این است که گروه‌های قومی در ایران از دیدگاه ژئوپلیتیک، موقعیت و ویژگی‌هایی منحصر بفردی را دارا می‌باشند. قوم کرد با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و توجه کشورهایمانند آلمان و آمریکا به آنها، از موقعیت ژئوپلیتیکی بیشتری برای تشکیل یک کشور مستقل (کردستان بزرگ) برخوردار است.

### ۴. مبانی نظری

#### ۴.۱. اقوام و اقلیت‌ها

قومیت معادل کلمه‌ی Ethnicity اولین بار در سال ۱۹۵۳ میلادی توسط دیوید رایزن به کار رفته است. اما ریشه لغوی آن از واژه‌ی قومی Ethnic است که واژه‌ای است بسیار قدیمی‌تر که خود از واژه‌ی یونانی Ethnos مشتق شده است. در یونان باستان واژه Ethnos به قبایل کوچنده‌ای اطلاق می‌شد که هنوز در شهرها با پولیس‌ها مستقر نشده بودند. بنابراین در این مفهوم تقابل نوع زیست شهری با زیست غیرشهری و تقابل خداباوری شهروندان و بی‌دین بودن قوم‌ها قابل ملاحظه است. واژه و مفهوم قومیت تا دهه‌ی ۶۰ قرن بیستم میلادی در خود بار ارزشی منفی را حمل می‌کرد که در مورد گروه‌های غیراروپایی و در چارچوب ایدئولوژی‌های نژادگرایانه مطرح می‌شد. اما از این دهه و با تأسیس دولت‌های ملی در کشورهای مستعمره به یکی از مفاهیم اصلی در علوم اجتماعی تبدیل شد و تا امروز به صورت موضوعی اساسی در مطالعات و پژوهش‌های کاربردی باقی ماند. (غلامحسینی، ۱۳۸۹: ۱۴۰-۱۳۹) قومیت را به گونه‌های مختلف می‌توان تعریف کرد:

گروه‌های قومی مردمی هستند که خود را در یک فرهنگ و میراث مشترک محصور، احساس می‌کنند، اگر چه پیوندهای آنها ممکن است با برداشتهای اجتماعی از نژاد مرتبط باشد. قومیت با بوم‌پایی در ارتباط است، بدین نحو که هویت فضایی می‌تواند بخش مهمی از هویت قومی تلقی شود. اصطلاح قومیت از ریشه‌ی یونانی، به معنی مردم یا ملیت بوده و به علاوه رابطه-ی نزدیکی با ویژگی‌های فرهنگی مانند زبان دارد. (برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۱۳۷) واژه قوم به نسبت واژه‌هایی چون جمعیت که چه به صورت مفرد و چه به صورت بسیار عمومی و مبهم هستند و نسبت به واژه‌هایی چون عوام، قبیله یا هُرد که به روشنی جنبه توهین آمیز دارند، برتری دارد. بنابراین واژه‌ی قوم به صورت هر چه گسترده‌تری درباره گروه‌های انسانی خاصی به کار می‌رود که به دلایلی چون ابهام در حدود آنها، فقدان نهادهای سرزمینی، عدم توسعه، خرد و کوچک بودن و بالاخره غرابت آنها، این امکان را ایجاد کرده است که اصولاً وجودشان زیر سوال برود. که می‌تواند به صورت گروه اکثریت و یا اقلیت در یک جامعه نمایان باشند. در حقیقت اقلیت در برگیرنده آن دسته از گروه‌های انسانی است که سوای استثنائی چند، در شرایطی حاشیه‌ای و در موقعیتی ناشی از فرودستی کمیتی و در عین حال سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و حتی فرهنگی قرار دارند. واقعیت در اقلیت بودن بالمال مستلزم آن است که گروه از نظر حقوقی و جامعه شناختی در وضعیتی از کهنتری و ضغارت قرار گیرد و این به نوبه خود واقعیتی کمی و اختلافی و متأثر از شرایطی از وابستگی و یا احساس وابستگی است. (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۶: ۵۷۹-۵۸۴)

به طور کلی می‌توان گفت که از منظر سرزمین و زیستگاه، اقلیت‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند: اقلیت‌های منسجم و دارای سرزمین و فضای جغرافیایی دیرینه که می‌توان از آن به اقلیت‌های اکولوژیکی تعبیر نمود و اقلیت‌های بدون سرزمین و غیر منسجم و پراکنده در میان اکثریت، که می‌توان از آن به اقلیت‌های اجتماعی با ادغام شده تعبیر نمود. اقلیت‌ها در اشکال





مختلف، قلمروهای مختلف و اندازه‌های مختلف وجود دارند. ویژگی مشترک اقلیت‌ها در همه انواع آن میل درونی و احساس علاقه نسبت به ارزش‌ها و صفات اختصاصی خود می‌باشد. اگر اقلیت از وزن ژئوپلیتیکی قابل توجهی نسبت به اکثریت پیرامونی برخوردار باشد دچار نوعی احساس خود اتکابی، جدایی و استقلال سیاسی می‌شود و مطالبات خود را از اکثریت نظیر خودمختاری، خودگردانی، حقوق شهروندی برابر، و نهایتاً استقلال سیاسی را مطرح می‌کند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۹۳-۹۲)

#### ۴.۲. جایگاه اقلیت‌ها در مدل هاگت

در سال ۱۹۹۳ میلادی از ۱۸۰ کشور جهان کمتر از ۱۵ کشور را می‌توان در حکم یک کشور ملی تلقی کرد. بنابراین کشورهای چند ملیتی شایع‌ترین نوع کشور است. در ۴۰ درصد کشورها حداقل ۵ گروه قومی وجود دارد و در ۳۱ درصد کشورها بزرگترین گروه ملی حتی اکثریت را نیز تشکیل نمی‌دهند. (مویر، ۱۳۷۹: ۸۳) لذا مسأله اقلیت و قومیت مسأله‌ای جهانی است. ارتباط میان اقلیت و گروه غالب ممکن است به صورت‌های مختلف باشد و از سازگاری کامل تا مرحله جدایی طلبی دیده شود. در حکومت‌هایی که با گروه اقلیت بر اساس عدل و انصاف رفتار می‌شود و به آنها از جهات فرهنگی و زبانی خودگردانی داده می‌شود، عدم استقرار و بی‌ثباتی سیاسی مشاهده نمی‌شود. البته طرز پراکندگی گروه اقلیت در سرزمین نیز مؤثر است، بر حسب اینکه گروه اقلیت به صورت متمرکز در یک ناحیه ساکن باشد یا در سرتاسر سرزمین کشور پراکنده باشد یا در منطقه پیرامونی مجتمع باشد یا نزدیک هسته سیاسی کشور متمرکز باشد، پیامدهای آن متفاوت است، همچنین اگر گروه اقلیت بخشی از گروه اکثریت دولت همسایه باشد یا بخشی از گروه‌های اقلیت در چند کشور مجاور پراکنده باشند، باز نتایج متفاوتی بدست خواهد آمد. نمونه اخیر کردها هستند. (میرحیدر، ۱۳۷۸: ۵۴)

پیتر هاگت برای تسهیل در فهم منابع مناقشه و اختلافات با منشاء جغرافیایی بین کشورها، کشوری فرضی تصور کرده است و در آن به بررسی این منابع تنش پرداخته است. در مدل هاگت به ۱۲ منبع جغرافیایی تنش اشاره شده است. (هاگت،

۱۳۸۲: ۳۷۲) که ۴ مورد آنها مربوط به گروه‌های اقلیت می‌باشد. یعنی  $\frac{۴}{۳}$  تنش‌های جغرافیایی منجر به برخورد میان دولت‌ها را مربوط به قومیت می‌داند. همپوشی ۴ مورد منبع تنش قومی در مدل هاگت با دیگر موارد مطرح شده در این مدل، باعث افزایش شدت ناآرامی‌های قومی خواهد شد. به عنوان مثال وجود منابع غنی نفت در کرکوک در محدوده کردستان عراق یکی از علل اصلی تداوم بحران کردستان عراق بوده است. چرا که کردها از آن به بیت‌المقدس کردستان یاد می‌کنند و در مقابل دولت مرکزی دست به تخریب این شهر زده است. ترکیه نیز دستیابی کردها به شهر کرکوک را مقدمه استقلال کردستان عراق می‌داند که می‌تواند تبعات زیادی در شرق و جنوب شرقی این کشور داشته باشد. لذا به بهانه حضور اقلیت ترکمن در این شهر یکی از موانع الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق، کشور ترکیه است. پس تعدادی از مشکلات ژئوپلیتیک کشورها ناشی از وجود گروه‌های اقلیت در آن است. گروه‌های اقلیت به صورت‌های مختلف می‌توانند در یک دولت وجود داشته باشند و هر کدام بانی نوعی از تنش باشند. (خالدی، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۴)

#### ۴.۳. چگونگی قوت گرفتن جدایی طلبی اقوام و ایجاد جنبش‌های قومی

در نظام‌های دیکتاتوری، دستاوردهای مورد انتظار فعالان، فارغ از سطح اختلافات، یکنواخت می‌ماند، در حالی که دستاورد های مورد انتظار منفعلانه با افزایش اختلافات، افزایش می‌یابد. علیرغم آن چه برخی از ساختارگرایان می‌پندارند، اختلافات به تنهایی منجر به بسیج جنبش‌های قومی بالقوه در نظام‌های دیکتاتوری، مشابه آن چه که در کشورهای جهان سوم وجود دارد،



نمی‌شوند. سازمان‌های سیاسی قومی در این جوامع تنها زمانی به رویارویی با حکومت مرکزی می‌پردازند که تصور کنند قدرت آن را دارند و همچنین بپذیرند که در این منازعه برنده می‌شوند. قوت سازمان‌های قومی عمدتاً با تعدادی متغیرهای کمی و به طور بسیار ناچیز به متغیرهای کیفی تعیین می‌شوند. منابع انسانی، یدی و فکری، از جمله منابع عمده‌ای هستند که در اختیار سازمان سیاسی قرار داده می‌شوند. این منابع ممکن است در داخل به وجود بیایند یا به اشکال مختلف از قبیل حمایت سیاسی، مالی، نظامی و اطلاعاتی، از خارج تأمین شوند. آگاهی سیاسی جمعیت‌های قومی، همبستگی میان آنها و سنت سیاست‌های گروهی از عوامل بالنسبه مهم در تعیین قوت سازمان‌های سیاسی قومی هستند. به طور اخص، آن دسته از جماعت‌های قومی که به تشکیل سازمان‌های سیاسی مؤثرتر و قوی‌تر بپردازند دارای آگاهی سیاسی و همبستگی بالا و سنت دیرپای فعالیت گروهی در وضعیت برتری هستند.

تعهد ایدئولوژیکی سازمان سیاسی نیز دارای اهمیت زیادی است. سازمان‌های دو طرف طیف سیاسی، یعنی چپ افراطی، عموماً ضعیف و در کسب حمایت گروه‌های قومی ناتوان هستند. برعکس، سازمان‌های سیاسی دارای سیاست‌های فراگیر طبقاتی و برنامه‌ی دموکراتیک و متعهد به ناسیونالیسم قومی، برای جمعیت قومی از جذبه‌ی بالایی برخوردارند و در صورت در پیش گرفتن انقلابی غیر آشتی‌جویانه، قویاً رشد خواهند کرد. به علاوه موقعیت جغرافیایی جمعیت قومی نیز عامل مهمی در تعیین قدرت سازمان سیاسی قومی است. از لحاظ تاریخی، مردم سرزمین‌های کم وسعت نواحی جنگلی یا کوهستانی یا استان‌های هم مرز سایر دولت‌های دارای جمعیت‌های قومی مشابه، بیشتر و مؤثرتر از ساکنان استان‌های نواحی مرکزی و دارای جلگه‌های وسیع و هموار، مبادرت به جنبش‌های گروهی قومی کرده‌اند. همچنین، به میزان فاصله‌ی جمعیت‌های قومی از حکومت مرکزی، بر نارضایتی و نیروهای گریز از مرکز افزوده می‌شود. سرانجام، درجه شباهت جمعیت‌های قومی با زندگی ملی، تأثیر عمیقی بر قدرت سازمان سیاسی قومی دارد. به طور کلی، هر چه درجه شباهت قومی کمتر باشد، سازمان سیاسی آن قوی‌تر است. شباهت قومی ممکن است یک یا چند شکل از چهار شکل زیر را به خود بگیرد:

۱. **فرهنگ پذیری**: روندی که از طریق آن جمعیت قومی تمایز فرهنگی خود را از دست داده و فرهنگ مسلط واحد بزرگ‌تر را می‌پذیرد. ممکن است به مناسبت اتحاد، گروه قومی مجبور به نادیده انگاشتن میراث تاریخی، زبان یا مذهب خود گردد؛
۲. **امتزاج**: روندی که از طریق آن، تمایز بیولوژیکی جمعیت قومی با ازدواج بین قومی از بین می‌رود؛
۳. **هویت پذیری**: روندی عمدتاً روان شناسانه که بدان طریق گروه‌های قومی، تصور تعلق به جامعه همسانی را داشته باشند، جامعه‌ای جدید که آمیزه‌ای است از جوامع قبلی‌شان؛
۴. **ادغام**: در جایی اتفاق می‌افتد که قشر بندی قومی برچیده و گروه‌های متعدد قومی، حقوق و امتیازات اقتصادی، سیاسی و مدنی همانندی را بپذیرند؛ بنابراین در ادغام کامل، اختلافات قومی به حداقل می‌رسد.

جدول شماره ۱: گستره تعارضات قومی در جهان

منطقه	تعداد گروه‌ها	تمایز سیاسی	تمایز اقتصادی	تمایز فرهنگی	درخواست خودمختاری	تظاهرات	آشوب
خاورمیانه و شمال آفریقا	۱۴	۸۶	۶۴	۵۷	۵۷	۲۳	۱۷
آسیا	۳۱	۴۳	۷۷	۶۴	۷۸	۱۷	۳۵
بلوک شوروی سابق	۲۶	۴۴	۳۸	۵۴	۶۳	۱۵	۱۲



۱۹	۸	۶۷	۷۵	۹۲	۶۷	۱۲	امریکای لاتین
-	۲۵	۳۷	۵۰	۶۲	۳۷	۸	دموکراسی‌های غربی
۲۳	۳۳	۵۷	۲۹	۷۱	۴۳	۱۴	آفریقا

منبع: قاسمی، ۱۳۸۹: ۷۷

اشکال متعدد جنبش قومی دسته جمعی به شدت تمایزات قومی یا طبقاتی در منطقه، قدرت نسبی سازمان سیاسی قومی، زمینه‌ی تاریخی خواسته‌های جمعیت‌های قومی، امکانات مادی و جغرافیایی نایل شدن به چنین خواسته‌ها، سطح محرومیت قومی و انتظار توانایی یا ناتوانی دولت در محرومیت‌زدایی، بستگی دارد. چهار شکل عمومی جنبش‌های قومی عبارتند از: ۱. جنبش‌های خودمختاری، ۲. جنبش‌های جدایی‌طلب، ۳. خیزش‌های منطقه‌ای و ۴. سیاست مبتنی بر تشکیل جبهه‌ای واحد در زمان رأی گیری. دو نوع اول عمدتاً در جاهایی اتفاق می‌افتند که که هویت قومی شدیدتر از تمایز طبقاتی است در حالی که دو نوع آخر در فقدان قومیت و جاهایی که قشر بندی اجتماعی به وضوح مشخص شده، صورت می‌گیرند. نوع ناب جنبش خودمختاری نمایانگر منازعه نخبگان محلی (که ممکن است مقام ایالتی باشند) و حکومت مرکزی در مورد حدود مشارکت در تصمیم‌گیری سیاسی است. این جنبش خواستار تمرکززدایی است اما از تقاضای توزیع مجدد قدرت به شدت خودداری می‌کند. جنبش جدایی طلب، عللی مشابه جنبش خودمختاری دارد؛ اما اهداف آن فراتر از اداره‌ی ایالت می‌رود. هدف جدایی طلبی، ایجاد دولتی مستقل بوده، عموماً از توزیع مجدد اساسی حمایت می‌کند. جاهایی که سازمان سیاسی قومی نسبتاً قوی است و دارای موضعگیری ایدئولوژیک‌تری است، خواسته‌های جدایی طلبی به احتمال زیادی شکل می‌گیرند البته به شرطی که با برخورداری از مشروعیت تاریخی بحث کامیابی هم داشته باشند؛ در غیر این صورت، جنبش‌های قومی خواستار خود مختاری در چارچوب دولت واحد و همگرا هستند.

تمایز جنبش‌های خودمختاری و جدایی طلبی از خیزش‌های منطقه‌ای و سیاست مبتنی بر تشکیل جبهه‌های واحد به هنگام اخذ رأی، در این است که دو تای آخر به میزان بسیار کمتری ریشه در معضلات اقتصادی و اجتماعی دارند. در دموکراسی سیاسی عمدتاً ائتلاف رأی گیری و در دیکتاتوری‌ها، خیزش‌های منطقه‌ای شکل می‌گیرند. سیاست ایجاد جبهه واحد به هنگام اخذ رأی، در صدد تعدیل اختلافات قومی از طریق تغییر نمایندگی سیاسی در روند انتخابات است، در حالی که خیزش‌های قومی به منظور براندازی حکومت مرکزی و استحاله کل نظام اقتصادی- اجتماعی شکل می‌گیرند. (امیر احمدی، ۱۳۷۷: ۲۱۸-۲۱۷) با توجه به جدول شماره ۲ دیده می‌شود که مناطق مختلف در دنیا دارای تعارضات قومی هستند و اقوام و اقلیت‌ها در نقاط مختلف دنیا همواره ایجاد چالش و ناامنی می‌کنند.

## ۵. یافته‌های تحقیق

### ۵.۱. نگاهی به تنوع اقوام در ایران

#### ۱. قومیت ترک

ترک‌ها با جمعیتی بالغ بر ۲۵ میلیون نفر، اولین اقلیت قومی مطرح در ایران به شمار می‌روند. ترک‌ها از حیث جغرافیایی اگر چه در مناطق مختلف ایران پراکنده هستند ولیکن شمال غرب ایران از دیرباز حوزه‌ی اصلی سکونت این قوم را شکل داده و هم اکنون نیز اردبیل، آذربایجان غربی و شرقی، سه استان بزرگ ترک نشین می‌باشند. (مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸: ۳۶) به علاوه در استان زنجان، همدان و غرب گیلان نیز گسترش یافته اند. همچنین در شهرهای تهران، قم اراک، قزوین و فارس نیز استقرار دارند؛ آذربایجان ایران بزرگ‌ترین بخش سرزمین‌هایی را تشکیل می‌دهد که امروزه نام آذربایجان بر آنها اطلاق می‌شود و این



مطلب در مقایسه با دو قوم بلوچ و کرد، شاخص و مهم است. با عنایت به وضعیت نسبتاً خوب اقتصادی منطقه، تأثیر عوامل مادی در بروز خشونت‌های قومی چندان بارز نیست و زبان، نقشی محوری دارد. ترک‌ها اگر چه تعلق خاطر زیادی به زبان فارسی دارند ولیکن عمده گرایش‌های ناسیونالیستی ترک با حمایت نیروهای خارجی بر همین محور شکل گرفته‌اند. (همان: ۳۶) آذری‌ها در متغیرهای [زبان]، و احساس قومیت با اکثریت مردم ایران تفاوت دارند؛ اما در متغیر دین و مذهب (شیعه) و نیز تکلم به زبان فارسی (زبان رسمی کشور) با اکثریت ملت ایران مشترکند و برخی از نخبگان آنها رهبری فکری و مذهبی شیعیان را در ایران و خارج از کشور، به عهده دارند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۵۹)

آذربایجان که در دوره قاجاریه نقش پایتخت سیاسی دوم ایران را ایفا می‌کرد و ولیعهد غالباً در آن جا سکونت داشت، در عمده تحولات ایران دخیل بوده و از این بابت بدیهی است که گسست ترک- فارس باید در پیش‌بینی‌های مربوط به درصد رفتارهای خشونت‌آمیز لحاظ شود. به منظور دستیابی به یک نتیجه‌گیری جامع در این زمینه، توجه به نکات زیر ضروری می‌نماید:

۱- تعمیق شکاف ترک- غیرترک، از جمله اهداف اصلی قدرت‌های خارجی است. برای مثال ایده تأسیس "ترکیه بزرگ" و یا "آذربایجان سوسیالیستی" را داریم که غرض از آنها تشویق ترک‌های ایران به سوی ناسیونالیسم ترکی و دست یازیدن به فعالیت‌های استقلال‌طلبانه در مقابل حکومت مرکزی بوده است. طرح و رواج شعار "اقلیت‌های قومی تحت ستم" در ایران، از جمله روش‌هایی بوده که روس و انگلیس برای نیل به اهداف خود، بدان دست زده‌اند، بنابراین فشار و حمایت خارجی در این زمینه با عنایت به همجواری مناطق ترک نشینی چون ترکیه و یا جمهوری آذربایجان که طول نوار مرزی ایران با آنها به ۱۲۵۳ کیلومتر می‌رسد، بسیار زیاد می‌باشد.

۲- ترک‌ها بر خلاف آن چه گمان می‌رود، از حس ناسیونالیستی بالایی نسبت به ایران برخوردار هستند، به گونه‌ای که آرمان-های ملی و مذهبی، آنها را به ایران پیوند زده و مشاهده می‌شود که چندان مایل به استقلال طلبی نبوده‌اند. بنابراین قابلیت وقوع درگیری در این بعد چندان زیاد ارزیابی نمی‌شود، برخلاف ایده‌های خودمختارانه که از اقبال بیشتری برخوردارند. در این باره تحلیل ماهیت واقعی پدیده‌های خشونت بار زیر می‌تواند روشنگر و مؤید این ادعا باشد:

#### مورد اول: قیام شیخ محمد خیابانی (۱۲۹۸ هجری شمسی، ۱۹۲۰ میلادی)

اگر چه شیخ توانست بنیان یک حکومت خودگردان به نام "آزادیستان" را در تبریز، بگذارد ولیکن انگیزه اصلی این واقعه خونین را درخواست‌های قومی تشکیل نمی‌داد؛ بلکه بالعکس، خیابانی در مقابله با نقشه خائنانه و وثوق‌الدوله برای سرکوب نمایندگان آزادی‌خواه و فرقه دموکرات در سال ۱۲۹۹- که به زعم وی لطمه‌ای جبران‌ناپذیر بر امنیت ایران به حساب می‌آمد- دست به این عمل زد؛ از این رو در بیانیه رسمی حکومت شش ماهه آنها هیچ گونه شعار قومی نیامده بود و حتی آرمان کلان تشکیل رژیم مشروطه برای کل ایران مطرح گردیده بود که دیدگاه‌های قومی را نفی می‌کرد. انتخاب عنوان آزادیستان و نه مثلاً آذربایجان که دارای بار قومی بالا و مؤثری بود و یا "ایالت قلمداد کردن" آزادیستان"، ادله دیگری بر صحت مدعای ما می‌باشد.

#### مورد دوم: فرقه دموکرات آذربایجان

تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان در شهریور ۱۳۲۴ به رهبری جعفر پیشه‌وری اگر چه از جمله مهمترین فعالیت‌های قومی در حوزه ترک زبانان ایران به شمار می‌آید، ولیکن رشد و گسترش آن را به میزان زیادی باید تابع ملاحظات بین‌المللی دو ابرقدرت، فعال شدن این گسست و بروز وقایع خشونت بار دانست. (مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸: ۳۷)





## ۲. قومیت کرد

جمعیت ۴ تا ۵ میلیونی کردها بیشتر در آذربایجان غربی، کرمانشاه، همدان، کردستان و شمال خراسان ساکن هستند و در مجموع از ضرایب پراکندگی کمتری نسبت به ترک‌ها برخوردارند. وجود چنین انسجام و همبستگی‌هایی است که زمینه مناسب را برای فعال شدن هر چه بیشتر گسست کرد- فارس فراهم ساخته است. (مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸: ۳۸) عقیده عمومی بر این است که کردها از اقوام ایرانی و نژاد هند و اروپایی هستند که از حدود ۴ هزار سال پیش در منطقه‌ی کردستان استقرار یافته‌اند. زبان کردی به سه لهجه عمده‌ی کرمانجی در نواحی شمال غربی کردستان، سورانی در نواحی جنوب شرقی کردستان و زرزا در بخش مرکزی ترکیه، تقسیم می‌شود. از لهجه‌های دیگر زبان کردی در ایران، می‌توان به لهجه گورانی و کلهر اشاره کرد. از حیث مذهبی کردها به دو گروه سنی شافعی و شیعه تقسیم می‌شوند. کردهای کردستان غالباً اهل سنت و شافعی مذهبند، گروهی اقلیت نیز به مذاهب دیگر اهل سنت منسوبند. کردهای منطقه‌ی کرمانشاهان و ایلام عمدتاً شیعه‌اند و در کنار آنها مسلک‌های دیگری چون اهل حق و علی‌الهی نیز وجود دارد. هرچند کردها در ریشه‌های نژادی، زبانی، تاریخی و برخی خصلت-های فرهنگی با بخش مرکزی ایران دارای مشترکات هستند و همانندی‌هایی دارند؛ لکن از جهات مذهبی، قومی و زبان محاوره با بخش مرکزی ایران تفاوت دارند و در عوض با نواحی کردنشین خارج مرزها همگونی دارند. اجتماع این سه خصلت که فصل ممیز کردها از بخش مرکزی ایران و در مقابل پدید آورنده‌ی نیروی جاذبه میان پاره‌های فضایی کردنشین خاورمیانه شده، زمینه‌ی بحرانی مداوم در منطقه را فراهم آورده است. به طوری که اجزای جدا افتاده‌ی قوم کرد، هر یک در جستجوی کسب خودمختاری از دولت‌های مرکزی متبوع خود بر آمده‌اند. (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۱۶۵)

از جمله عوامل مؤثر در خصوص میزان فعالیت گسست قوم کرد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱. تمرکز جمعیتی: عدم پراکندگی در شهرهای مختلف و اجتماع در یک منطقه کوچک و مشخص؛ ۲. امکانات اندک: وضعیت نامناسب آموزش و پرورش، بهداشت، اقتصاد، و...؛ ۳. موقعیت جغرافیایی: شرایط منطقه به گونه‌ای است که گروه‌های معارض آن را برای اختفاء و استمرار مبارزه مناسب می‌یابند؛ از این رو مشاهده می‌شود که اکثر گروه‌ها در موقعیت‌های دشوار فعالیت‌شان با عزمیت به کردستان، و سعی در بهره‌وری از امکانات طبیعی و انسانی این منطقه برای رسیدن به اهداف خود، با طرح شعارهای قومیتی دارند؛ ۴. انزوای سیاسی: حضور نخبگان سیاسی - اجتماعی کرد در داخل نظام کم و یا کم رنگ بوده و به همین خاطر نوعی انزوا حاصل آمده است که به تعمیق گسست‌ها دامن می‌زند؛ ۵. ملاحظات مذهبی: اکثریت جمعیت این مناطق سنی مذهب می‌باشند و از این رو گسست مذهبی نیز به شکلی همسو با گسست قومی عمل کرده، به تراکم این گسست منجر شده است. آمار مربوطه حکایت از کاهش میزان درگیری‌های شدید در شهرهای شیعه‌نشین کردستان در مقایسه با سایر شهرهای کردستان دارد که مؤید مدعای فوق است. این مطلب با توجه به عدم همدلی کردهای شمال خراسان، با گرایش‌های سیاسی رایج در میان کردهای دیگر، نیز به خوبی تأیید می‌شود چرا که اکثریت کردهای ساکن در شمال استان خراسان شیعه می‌باشند. ۶. ملاحظات منطقه‌ای: جمعیت کردها را در خاورمیانه تا ۳۰ میلیون نفر برآورد کرده‌اند که منطقه بزرگی از شمال عراق، جنوب ترکیه، شرق سوریه و کردستان ایران را شامل می‌شود. کردستان ایران به علت همجواری با این منطقه پرتنش، تأثیراتی را پذیرفته و بعضی از حوادث خشونت بار کردستان ریشه در تحولات بیرون مرزی ایران دارند. این واقعیت که کردهای سامن در شمال خراسان به علت دوری از منطقه کردنشین از زندگی آرام‌تری برخوردارند، مؤید این مدعا نیز هست؛ ۷. زبان: زبان کردی اگر چه از شاخه‌ی زبان‌های ایرانی است ولیکن امروزه دیگر برای فارسی زبان مفهوم نیست. هرچند که زبان کردی با پارسی باستان همانندی زیادی دارد و نهایت از تبدیل شدن آن به یک زبان "سراسری و واحد" ممانعت به عمل می‌آورد،



ولیکن کردهای امروزی در زبان کردی به یک تجربه مشترک دست یافته‌اند که در تعیین هویتی مشترک آنها را یاری می‌رساند. بدین ترتیب اگرچه منابع نژادی به علت تأکید بر اصل آریایی و ایرانی بودن کردها، نمی‌تواند چندان در بروز یک شکاف هویتی در کردستان، ایفاگر نقشی مؤثر باشد و لیکن عامل زبان این مهم را عهده‌دار شده و محور جنبش‌های کردی قرار گرفته است. (مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸، ۳۹)

### ۳. قومیت عرب

ساکنان منطقه‌ی عرب‌نشین خوزستان از حیث زبان و قومیت، اصالتاً عرب هستند. مردم این منطقه عمدتاً شیعه مذهب می‌باشند. خوزستان به لحاظ توپوگرافی و ساختار قومی و فرهنگی به ۲ بخش تقسیم می‌شود: ۱. خوزستان مرتفع که مابین دشت کم ارتفاع خوزستان و دامنه‌های غربی رشته کوه زاگرس واقع است؛ این بخش از حیث انسانی و فرهنگی، در واقع امتداد گستره‌ی جغرافیایی بخش مرکزی است و اساساً قشلاق عشایر زاگرس به شمار می‌رود. عشایر و ایلات لر و بختیاری که طی قرن اخیر در شهرهای منطقه ساکن شده و بعضاً در صنایع و تأسیسات نفت مشغول شده به کار شده‌اند، ترکیب سکنه‌ی این منطقه را تشکیل می‌دهند. به دلیل غلبه‌ی فرهنگ غیرعربی باید این منطقه را دنباله‌ی بخش مرکزی ایران دانست که در شرق و شمال جلگه‌ی خوزستان گسترش دارد و بر خوزستان کم ارتفاع مشرف است. ۲. خوزستان کم ارتفاع شامل بخش‌های غربی و جنوبی جلگه‌ی خوزستان است. مردم این خرده ناحیه که عمدتاً عرب و دارای فرهنگ خاص هستند، از بافت انسانی و فرهنگی خوزستان مرتفع متمایزند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۷۰) قومیت عرب ایران که جمعیتی بیش از یک میلیون نفر در جنوب غربی ایران را در بر می‌گیرد، اغلب در خوزستان ساکن بوده و در مقایسه با بختیاری‌ها، دزفولی‌ها، شوشتری‌ها، بهبهانی‌ها و کولی‌ها، نژاد اصلی موجود در خوزستان به حساب می‌آیند. این اعراب بیشتر در قالب سیاست‌های به اجرا آمده‌ی قدرت‌های خارجی با ناسیونالیسم عربی در ارتباط بوده‌اند. (مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸: ۳۶)

وقوع انقلاب در ایران به گرایش‌های ناسیونالیستی فرصت آن را داد تا از فضای انقلابی برای گسترش ایده‌های ناسیونالیسم عرب بهره برد ولیکن شروع جنگ تحمیلی مانع از این کار شده و بالعکس شاهد انسجام ملی بیشتر اعراب می‌باشیم. بهبود وضعیت اقتصادی اعراب و تعلقات دینی‌شان - که اغلب شیعه می‌باشند - منجر به آن شده که میزان فعالیت این گسست کاهش یافته و اعراب با نظام ملی همسو گردند.

با این حال باید توجه داشت این قوم از چند حیث آسیب پذیر می‌باشد:

۱. عرب‌های ایرانی، جمعیت اندکی را شامل می‌شوند که در جوار دنیای عرب قرار دارند و همین امر می‌تواند نگرش اقلیت را به تبع از اکثریت، دستخوش تحول سازد؛
۲. وقوع جنگ تحمیلی منجر به مهاجرت جمع کثیری از اعراب از منطقه شده است که تعداد قابل توجهی از آنها علی‌رغم اتمام جنگ از برگشتن به مناطق قبلی خودداری ورزیده‌اند. نتیجه آن که جمعیت اعراب کمتر گشته و از حیث توان مالی و رفاهی ضعیف‌تر شده‌اند. این نکته که اکثر کسانی که از بازگشت به موطن اصلی‌شان خودداری ورزیده‌اند، از جمله سرمایه‌داران عرب هستند، مؤید استنتاج فوق می‌باشد؛
۳. مشکلات و خرابی‌های ناشی از جنگ، معضلات عمده‌ای چون بیکاری و مهمتر از همه بیکاری و جوان بودن جمعیت عربی، با توجه به وضعیت اقتصادی اعراب در کشورهای چو کویت، اردن و عربستان، در احیای گرایش‌های قومی در این منطقه مؤثر تواند بود.



#### ۴. قومیت لر

لرهای ایران که تا حدود قرن ششم به علت نداشتن اتحاد و انسجام، تحت سلطه سلجوقیان و یا خلفای عباسی بودند، در این زمان از ضعف قدرت مرکزی حداکثر استفاده را برده و به نوعی خودمختاری دست یافتند. تأسیس "لر بزرگ" (بختیاری و کهگیلویه و بویر احمد) و "لر کوچک" (لرستان فعلی و ایلام) اولیت تجربه سیاسی لرها می‌باشد که در تحلیل گرایش‌های قومی لرها هرگز نباید نادیده انگاشته شود. لرها از توان حکومتی خوبی برخوردار هستند، به گونه‌ای که از آل خورشید، کارنامه درخشانی بر جای مانده است و مشاهده می‌شود که لرها در زمانی که سایر حکومت‌های محلی؛ به جان یکدیگر افتادند، در فکر غارت و تضعیف هم بودند، بنیان‌های حکومتی خود را تقویت کرده و بحران‌هایی چون حمله تیمورلنگ و ترکمانان را به سلامت پشت سر گذاشته‌اند. (مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸: ۴۲)

در مجموع پیشینه سیاسی لرهای ایران مؤید این مدعاست که گرایش‌های استقلال خواهانه در این حوزه ریشه‌دار است، به گونه‌ای که فرمانروایان لر در زمان مراوده با عثمانی، خود را شاه یا ملک هم می‌خوانده‌اند. آن چه امروز در ایران تحت عنوان قوم لر می‌آید، نتیجه سیاست‌هایی است که از دوره صفویه آغاز شد و با نزدیک شدن به لرها در دوره شاهان صفوی و سرکوب شورش‌های آنها در دوران قاجاریه و سیاست‌های تمرکزگرایانه رضاشاه، در نهایت به صورت بخشی از واحد ملی‌ای به نام ایران در می‌آیند. با این حال این قوم که عمدتاً در "لرستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام و کهگیلویه و بویر احمد" ساکن هستند، تلاش سیاسی قابل توجهی داشته‌اند؛ از آن جمله:

- شورش‌های پیوسته عشایر سگوند، حنوند، بیرانوند و دیرکوند در مقابل حکام قاجار به ویژه تا روی کار آمدن ناصرالدین شاه که پیوسته وجود داشته است؛
- خیزش عمومی لرها بر ضد ناصرالدین شاه که به زور اسلحه توانسته بود تمامی لرها را به فرمان خود در آورد. در این زمان ظل‌السلطان حسینقلی ابوقدار، شاهزاده مستبد و خونریز قاجاری بر امور لرها مسلط شده بود که فوت او، عرصه را برای شورش فراهم آورد و لرها مجدداً تقاضای خودمختاری خود را مطرح ساختند؛
- در جریان مشروطه اگر چه لرها در مقابل مشروطه خواهان قرار داشتند ولیکن، این جنبش پس از پیروزی خود نتوانست لرها را تحت فرمان خود درآورد و در نتیجه مشاهده می‌شود که تا زمان رضا شاه، فارغ از قیدوبند حکومتی بوده و به شکل خودمختارانه‌ای عمل می‌کرده‌اند؛
- در دوره رضا شاه نیز برخورد لرهای پیشکوه و پشتکوه با نیروهای دولت مرکزی، فجایع خونینی را آفرید که نمونه آن را در میان سایر اقوام در ایران به ندرت می‌توان یافت. (مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸: ۴۳)

#### ۵. قومیت بلوچ

بلوچ‌ها عمدتاً در جنوب شرقی ایران (استان سیستان و بلوچستان) ساکن می‌باشند و از ویژگی‌های بارز آنها یکی کمبود امکانات رفاهی و معیشتی‌شان و دیگری سنی بودن آنهاست. البته یک اقلیت ۲ تا ۳ درصدی از شیعه نیز وجود دارد که در مقایسه با کل سنی مذهب چندان نقش آفرین نیستند. تعداد بلوچ‌های ایران به دو میلیون نفر بالغ می‌شود که به خاطر تراکم شکاف قومی به واسطه دو شکاف مذهبی و اقتصادی، از جمله شکاف‌های فعال در ایران به حساب می‌آید. همجواری بلوچ‌های ایران با بلوچ‌های افغانستان و به ویژه مرکز عمده بلوچ‌ها در پاکستان - که فعال‌ترین بلوچ‌ها به حساب می‌آیند - تأثیر بسزایی در



ظهور گرایش‌های سیاسی در این منطقه دارد. از جمله مصادیق سیاسی مهم فعالیت این شکاف، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. سرکوب‌های خشونت بار اقوام بلوچ به دست رضاشاه در سال ۱۳۰۶؛ ۲. شورش‌های محلی طوایف مختلف بلوچ در سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۳؛ ۳. تأسیس جبهه آزادی بخش بلوچستان در سال ۴۴۳ به رهبری فردی به نام جمعه‌خان در پاکستان که به واسطه داشتن گرایش‌های قوم‌گرایانه، تأثیر زیادی بر روی بلوچ‌های ایران و ایجاد نارضایتی از حکومت مرکزی داشت که نمونه بارز آن در فعالیت عبدی‌خان در ایران، قابل مشاهده است؛ ۴. ظهور و سقوط حزب دموکراتیک بلوچستان که بسته شدن پرونده فعالیت سیاسی آن در ایران به سال ۱۳۵۴ (جبهه ملی خلق ایران) با درگیری و خونریزی همراه بوده است؛ ۵. تأسیس سازمان دموکراتیک مردم بلوچستان به رهبری مهندس رحمت حسن‌پور در سال ۱۳۵۸ که آرمان‌های قومی را مد نظر داشت و در نتیجه دولت مجبور به واکنش و برخورد خشن با آن گردید. ۶. تأسیس کانون سیاسی-فرهنگی خلق بلوچ به سال ۱۳۵۸ در زاهدان که بیشتر در حوزه دانشگاهی فعالیت می‌کرد و متأثر از پاکستان بود؛ ۷. درگیری مسلحانه جبهه آزادی بخش بلوچستان با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و از هم پاشی آن. ۸. درگیری گروه پیشمرگ بلوچ به رهبری امان‌الله برکزی با حکومت انقلابی و سقوط آن؛ ۹. درگیری‌های سال ۷۱ تا ۷۴ در منطقه، متعاقب تخریب یکی از مساجد اهل سنت در مشهد و بستن مسجد دیگری در زاهدان که برخوردهایی را در مشهد، ایرانشهر و زاهدان به دنبال داشت.

#### ۶. قومیت ترکمن

جمعیت ترکمن ایران که عمدتاً در شمال شرق کشور و در همجواری با ترکمنستان قرار دارند، به یک میلیون نفر بالغ می‌شود که اغلب از اهل تسنن می‌باشند. معارضه بین ترکمن‌ها و دولت مرکزی از جمله معضلات حل‌نشده بوده که با همه تلاش‌های به عمل آمده، مرتفع نگردیده است. ترکمن‌ها چندان با مقولات نوینی چون ایدئولوژی‌های نداشتن و خواهان نوعی حیات مستقل بوده‌اند و از این رو مشاهده می‌شود که مناطق ترکمن‌نشین، همواره مناطقی پردردسر به شمار آمده‌اند که حتی در سال ۱۸۸۱ حکام ایران از این که طی قرارداد موسوم به آخال، بخشی از این مناطق از ایران جدا شده و به روسیه داده می‌شود، با خوشحالی، هیچ‌گونه ادعای حقوقی‌ای را مطرح نمی‌سازند! در مجموع آنچه خلق ترکمن آرموده است نه ناسیونالیسم ترکمن بلکه شورش‌های مستمری بوده که در قالب خواستارهای محدود ترکمن‌ها برای نفی هرگونه دخالتی در امورشان، صورت می‌گرفته است؛ از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. همدستی با مخالفان مشروطه جهت سرکوب مشروطه خواهان؛ ۲. تأسیس شورای ده نفری در ۱۳۰۳ و فعالیت آشکار در مخالفت با حکومت مرکزی؛ ۳. همکاری ترکمن‌های ایران با ترکمن‌های جمهوری ترکمنستان و تشدید برخورد با دولت مرکزی؛ ۴. سوء استفاده از وضعیت پس از انقلاب اسلامی در ایران و ظهور جنبش موسوم به خلق ترکمن که درگیری‌های خونینی را در شهرهایی مثل گنبد کاووس، در سال ۱۳۵۸ به دنبال داشت. (مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸: ۴۵)

جدول شماره ۲: وضعیت گروه‌های قومی و مذهبی مختلف ایران

گروه قومی	جمعیت به میلیون نفر	حوزه سکونت	همسایگان	آرایش جمعیتی	مذهب	وضعیت اقتصادی	عامل فعالیت	میزان فعالیت گسست
ترک	۲۵	اردبیل- آذربایجان غربی و شرقی زنجان- قزوین - همدان]	ترکیه- آذربایجان	پراکنده	شیعه	نسبتاً خوب	زبان	کم





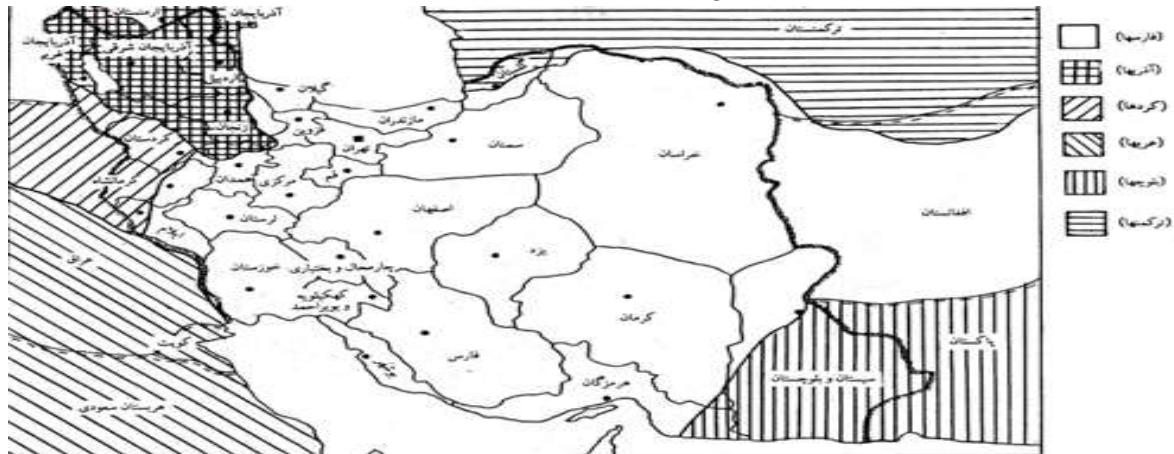
iag.ir

۲۰ و ۲۱ مهرماه ۱۳۹۴  
گرددستان - سنندج  
دانشگاه کردستان



کرد	۴-۵	کردستان - شمال خراسان - کرمانشاه - همدان - آذربایجان غربی	عراق و ترکیه	نیمه متمرکز	سنی و شیعه	متوسط به پایین	زبان و دین	متوسط
عرب	۱	خوزستان	عراق	متمرکز	شیعه	متوسط	زبان و نژاد	کم
بلوچ	۲	سیستان و بلوچستان	پاکستان و افغانستان	متمرکز	سنی	خیلی پایین	دین و اقتصاد	متوسط
ترکمن	۱	گلستان	ترکمنستان	متمرکز	سنی	متوسط	زبان و مذهب	خیلی کم

منبع: محمدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۸



نقشه شماره ۱: الگوی فضایی ساختار قومی-زبانی ملت ایران و ارتباط آن با فضاهای انسانی مجاور

منبع: حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۵۳

### ۵.۳. قوم کرد و چالش‌های پیش روی امنیت ملی ایران

قوم کرد در ایران به لحاظ ویژگی‌هایی انسانی با اقوام کرد در کشورهای عراق، ترکیه و سوریه شباهت‌هایی دارد؛ و به علاوه دارای پیوستگی سرزمینی با این کشورها نیز می‌باشد. کردستان به فضای جغرافیایی مرتفعی در خاورمیانه گفته می‌شود که از نظر اکولوژیکی زیستگاه و موطن کردها را تشکیل می‌دهد. این منطقه مرتفع بخش‌هایی از غرب و شمال غرب ایران، شرق و جنوب شرق ترکیه، شمال و شمال شرق عراق و نیز غرب قفقاز را در بر می‌گیرد و بر فلات‌ها و سرزمین‌های کم ارتفاع اطراف خود مشرف می‌باشد. محدوده‌ی کردنشین خاورمیانه فضای تقریبی است بین کوه آراتات به سمت جنوب تا شهرهای ارومیه، سنندج و کرمانشاه در ایران و سپس به سمت غرب تا مندلی و از آنجا به موصل و جزیره در عراق و سپس به سمت غرب تا قامشلی در سوریه و شرق اسکندرون در ترکیه و سپس به سمت شرق به ارزروم و آراتات. مساحت این محدوده در حدود ۴۰۹۶۵۰ کیلومتر مربع است که ۱۹۴۴۰۰ کیلومتر مربع آن در ترکیه، ۱۲۴۹۵۰ کیلومتر مربع آن در ایران، ۷۲۰۰۰ کیلومتر آن در عراق و ۱۸۳۰۰ کیلومتر آن در سوریه واقع است. قلمرو کردستان بین کشورهای مختلف خاورمیانه و در پی- جنگ چالداران بین ایران و عثمانی در سال ۱۵۱۴ میلادی و جنگ جهانی اول و قرارداد سور در سال ۱۹۲۰ میلادی تقسیم شده است. این تقسیم‌بندی سبب شده است که مناطق کردنشین این کشورها از لحاظ جغرافیایی از موقعیت حاشیه‌ای برخوردار شوند. موقعیت حاشیه‌ای همراه با توپوگرافی و فضای جغرافیایی پیچیده و نیز نگرش دولت‌ها و گروه اکثریت ملی به



آنها به عنوان شهروند درجه دو و شورشی، سبب شده است که مناطق کردنشین معمولاً توسعه نیافته محسوب شوند و از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و عمرانی عقب مانده تر از سایر نقاط کشور باشند؛ که این خود باور تبعیض و بی عدالتی را در بین اقلیت کرد گسترش داده و روابط آنها را با دولت مرکزی بدتر می کند. (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۱-۹)

تحول در ساختار ژئوپلیتیک جهانی و نیز شکست عراق در کویت در آغاز دهه ی نود زمینه را برای بروز مجدد ناسیونالیسم کردی و ایجاد حکومت خودگردان فراهم می کند. ناسیونالیسم کردی برای خروج از انزوای ژئوپلیتیکی همچون گذشته به حمایت قدرت های جهانی در سیستم بین المللی نیاز داشت. در پرتو این حمایت بقای خودگردانی تضمین و شمال عراق به سطح اتصال کردستان با جامعه جهانی و سیستم بین الملل تبدیل گردید که حمایت افکار عمومی و نهادهای بین المللی را در پی داشت. در این فرایند، اندیشه ی سیاسی فدرالیسم و نهادهای سیاسی و اجرایی حکومت با هویت کردی تکامل یافت و شمال عراق به عنصری دینامیک تبدیل شد و توانست موقعیت مرکزی و کانونی را در قلمرو کردنشین خاورمیانه پیدا کند و مدلی آرمانی را در پیشروی کردها قرار دهد. تأثیر گذاری خودگردانی شمال عراق بر منطقه خاورمیانه در چارچوب سیستم ژئوپلیتیکی و ساختار فضایی چند سطحی قابل پیشین است. بدین معنی که از شمال عراق به عنوان سیستم مرکزی، پدیده ها و امواج تحول سیستم پیرامونی و یا مناطق کردنشین حاشیه ای کشورهای همسایه انتشار پیدا می کند و سیستم حاشیه ای را دچار تحول می نماید. حکومت خودگردان شمال عراق توانسته است در مدت ۱۵ سال گذشته دستاوردهایی در زمینه های توسعه اقتصادی- اجتماعی، ارتقاء ارزش های فرهنگی و قومی، نمادسازی قومی، آزادی و دموکراسی، اتصال کردستان با جهانیان و سیستم بین المللی و غیره داشته باشد و از موقعیت الگویی و آرمانی در بین کردهای خاورمیانه برخوردار شود. حوزه های تأثیر گذار مرکز بر حاشیه و نیز سیستم های ملی عبارتند از:

**حوزه ذهنی- عاطفی:** شامل استقبال و شادمانی از پیدایش و موفقیت خودگردانی، تقویت اندیشه ناسیونالیسم کردی، همنوایی و سمپاتی، انتشار گسترده نهادهای حکومت خودگردان در میان کردها، اعتماد بنفس و امید به آینده در کردها، نگرش آرمانی به الگوی خودگردانی شمال عراق و احساس غرور آنها؛

**حوزه سیاسی:** شامل تقویت و گسترش انگیزه و عمل سیاسی برای ابراز حقوق خواست های خود از دولت های مرکزی در طبقی از اقدامات مدنی تا برخوردهای شدید و درگیری با نیروهای دولتی، که سیاست سنتی آنها نسبت به کردها را به چالش می کشد. این خواست ها عمدتاً شامل آزادی عمل در حوزه زبان و فرهنگ کردی، حق تعیین سرنوشت، رفع تبعیض اقتصادی و اجتماعی، محرومیت زدایی و نظایر آن است.

**حوزه منطقه ای:** شامل افزایش نگرانی در سیستم های ملی دارای قابلیت کردی از اثر گذاری تحولات شمال عراق بر آنها، و ایجاد همگرایی و اتخاذ مواضع و سیاست مشترک برای کنترل و مدیریت بحران کردی در منطقه خاورمیانه و تقلا برای پیشگیری از تجزیه کشورهایشان.

روند تأثیر گذاری سیستم مرکزی بر سیستم پیرامونی به گونه ای است که اگر حمایت سیستم بین المللی و قدرت جهانی و نیز پایداری خودگردانی شمال عراق ادامه پیدا کند، سیستم پیرامونی تحول یافته و فشار بر سیستم های ملی را توسعه خواهد داد و آنها ناگزیر از اصلاح سیاست های قومی خود و پذیرش خواست کردها، خواهند شد. (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۳۴-۳۳) جدای از اینکه مدل خودمختاری کردستان عراق تأثیراتی ذهنی- عاطفی را بر کردهای ایران دارد، زمینه ای برای تقویت ناسیونالیسم کردی در مناطق کردنشین ایران محسوب می شود. در خصوص بروز گرایش های سیاسی در میان کردهای ایران، می توان دو دیدگاه را به بررسی در آورد: ۱. فعالیت های سیاسی ناشی از تحرکات خارجی؛ ۲. فعالیت های سیاسی داخلی.



در مورد دیدگاه نخست می‌توان از دو شورش بزرگ ناسیونالیستی کرد، یعنی شورش شیخ‌عبدالله (۱۲۹۷ش) و شورش شیخ‌سعید (۱۳۰۴ش)، نام برد. شیخ‌عبدالله در عثمانی و تحت تأثیر سیاست تمرکزگرایی و محور امارات تحت کنترل رهبران قبایل کرد، به وجود آمد که این، با تبدیل شدن به یک نزاع هویتی بزرگ، ایران را نیز در گرفت. اما شیخ سعید بیشتر در واکنش به سیاست ناسیونالیسم افراطی آتاتورک که به انکار هویت کردی اهتمام داشت، سر به شورش برداشت و از ناسیونالیسم کردی به عامل هویت بخش مستقلی، یاد کرد. گذشته از فعالیت‌های برون مرزی، در خود ایران شاهد موارد متعددی از تحركات سیاسی در کردستان می‌باشیم که ریشه در گرایش‌های قومی داشته و عموماً به بروز خشونت منتهی شده- اند؛ از آن جمله :

مورد اول : جنیش اسماعیل آقاسمیتقو، او که در قالب ساختار ایلی کرد رشد کرده بود، به یک کانون قدرت بزرگ و مطرح تبدیل شد، که یکپارچگی ایران را تهدید می‌کرد. از این رو درگیری سختی بین نیروهای تحت امر او و نیروهای دولتی رخ داد که در نهایت ارتش توانست با سرکوب سمیتقو به غائله پایان دهد.

مورد دوم : تأسیس کومله، آرمان اعلام شده بنیانگذاران کومله "کردستان خودمختار" است که در کارنامه خود تأسیس جمهوری مهاباد را دارد. آن چه بدیهی است این گروه فعلاً چیزی بیش از خودمختاری را مدنظر دارد و سیاست عملی و اصول مذکور در بیانیه‌های رسمی کومله دلالت بر استقلال طلبی کامل کردستان دارد. به هر حال کومله در کارنامه فعالیت خود فهرستی بلند و بالا از خشونت ورزی را تشکیل می‌دهد که دلالت بر اصالت بخشیدن به خشونت در نیل به اهداف سیاسی گروه دارد. بحران مهاباد ۱۳۲۴/۲۵ شمسی و تأسیس دولت خودمختار کرد در مهاباد، پیش گامی در تهیه و امضای "سه مرز" بین کردهای ایران، عراق، ترکیه، همراهی حزب دمکرات کردستان (نامی که در مرداد ۱۳۲۴ کومله بنا به دستور مقامات شوروی و پس از تجدید نظر در سازماندهی خود، برگزید) با ملامصطفی بارزانی و تلاش در راه تجزیه ایران و... همه از حوادث مهمی هستند که در کارنامه کومله ثبت شده‌اند. تحولات خونین بعد از پیروزی انقلاب در کردستان نیز که این احزاب بدان دامن زدند، تماماً در جهت سودجویی از فرصت بدست آمده و تجزیه ایران بود؛ از جمله این موارد می‌توان از برنامه هشت ماده‌ای کردها و تقاضای شناسایی رسمی خودمختاری کردستان در قانون اساسی جدید، فعالیت‌های تجزیه طلبانه گروه شیخ عزالدین حسین، امام جماعت سنی شهر مهاباد برای خودمختاری کردها، طرح ویژه قاسملو پیشنهادی به بنی صدر و... نام برد که تماماً از ریشه دار بودن گرایش‌های سیاسی در میان کردها حکایت دارد. (مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸، ۴۰)

#### ۵.۴. ویژگی‌های کردستان بزرگ برای مستقل شدن به عنوان یک کشور

۱- به لحاظ هیدروپلیتیک، کردستان عراق هارتلند خاورمیانه است؛

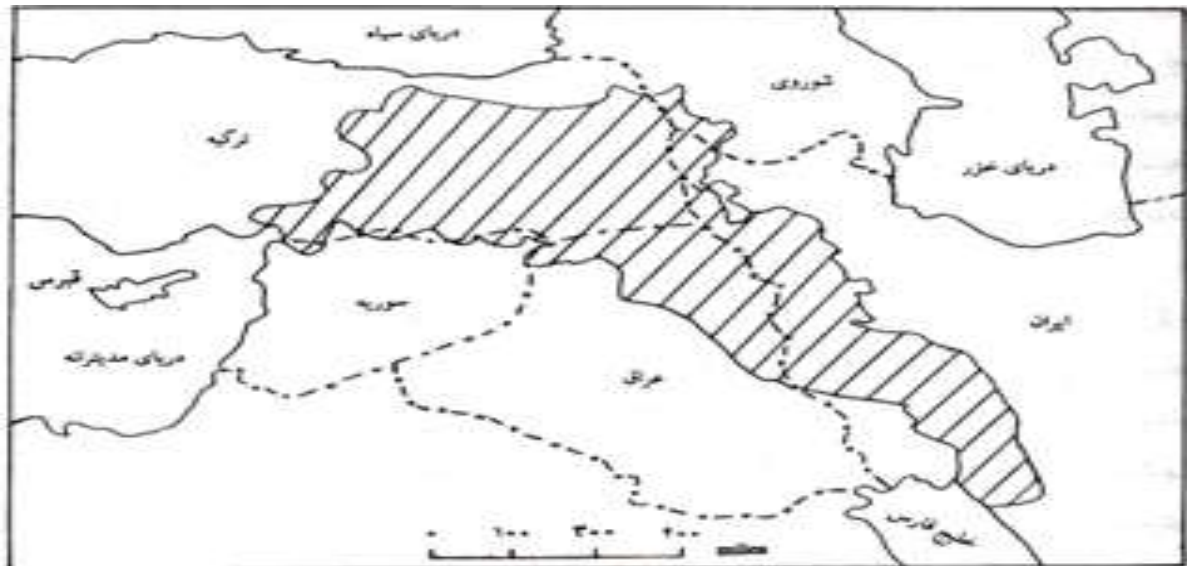
کردستان یکی از غنی‌ترین منابع آب خاورمیانه را در اختیار دارد. نگاهی به سر شاخه‌های فرعی که دجله و فرات از آنها سرچشمه می‌گیرد نشان دهنده آن است که تقریباً تمام آب‌های تغذیه کننده دجله و فرات از مناطق کرد نشین سرچشمه می‌گیرند. بنابراین با توجه به سابقه‌ی درگیری‌های کردها در جنوب شرق ترکیه (محل اجرای پروژه گاپ) شمال غرب و غرب ایران و شمال عراق اجرای پروژه‌های ذخیره سازی و انتقال آب به اهمیت این مناطق خواهد افزود، به عبارت دیگر از این پس هم منزلت ژئوپلیتیک کردها بالا خواهد رفت و هم اینکه واکنش حکومت‌های مرکزی به تحركات آنها احتمالاً متفاوت از گذشته خواهد بود. رابرت کاپلان در مقاله هرج و مرج آینده با توجه به این موضوع منازعه ترک (ترکیه) و کرد را در آینده جدی تر از بحران اعراب و اسرائیل می‌داند. به طور کلی منطقه کردستان سرچشمه بسیاری از رودخانه‌ها و منابع آب شیرین در خاورمیانه است. رودخانه‌های معروف دجله، فرات، ارس، قزل ایرماق، سفیدرود، سیروان و زاب (کوچک و بزرگ) از کردستان سرچشمه



می‌گیرند. منابع آب منطقه کردستان به دریای مازندران، خلیج فارس، دریاچه ارومیه و دریای سیاه سرازیر می‌شوند و کشورهای ترکیه، ایران، آذربایجان، ارمنستان، عراق، سوریه و کویت به آب های کردستان وابستگی دارند. از جهتی به علت قرار گرفتن مناطق خشک و کم آب پیرامون سرزمین کردستان که بیشتر آب شیرین خود را از رودخانه‌های سرچشمه گرفته از کردستان تأمین می‌کنند و از سوی دیگر به علت افزایش جمعیت، رشد اقتصادی و بالا رفتن سطح زندگی که باعث افزایش مصرف آب و نزدیک شدن مقادیر تقاضا به مرزهای منابع آب تجدید شونده می‌شود، کردستان از منزلت ژئوپلیتیکی بالایی برخوردار می‌گردد. و بر این اساس کردستان به لحاظ هیدروپلیتیک، هارتلند خاورمیانه جدید است. به طور کلی اهمیت آبی کردستان در خاورمیانه را در موارد زیر می‌توان بیان کرد:

- الف- موقعیت بالا دستی در خاورمیانه به علت داشتن میزان مناسب بارندگی و در نتیجه وجود سرچشمه بسیاری از رودخانه‌ها و منابع آب شیرین خاورمیانه در کردستان؛ ب- وجود مناطق خشک و نیازمند به آب در پیرامون آن؛ پ- وابستگی حداقل ۷ کشور منطقه به آبهای کردستان؛ ج- نبود منطقه جایگزین برای تأمین آب خاورمیانه. (خالدی، ۱۳۸۸: ۵۸-۵۷)
- ۲- کردستان بین چند تمدن کهن مانند تمدن ایران، تمدن تورانی (ترک)، تمدن عربی (سامی) واقع شده است. نزدیکی جغرافیایی به کشورهای ایران، سوریه و ترکیه برای آمریکا از اهمیت خاصی برخوردار است؛
- ۳- منابع نفت عمده‌ای در کردستان عراق وجود دارد و بنابراین از لحاظ ژئوپلیتیک انرژی نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. کردستان از نظر منابع طبیعی، دارای خاک حاصلخیز، آب، نفت، گاز و دیگر مواد معدنی است که در دوران زمامداران بحث عراق کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛
- ۴- کردهای عراق، منطقه‌ای کوهستانی با مساحتی حدود ۷۴۰۰۰ کیلومتر مربع و نزدیک به ۶ میلیون نفر جمعیت، شامل استان‌های دهوک، اربیل، سلیمانیه، کرکوک، دیاله و نینوا و در کل ۱۷ درصد وسعت عراق را دارا می‌باشند. با این توضیح که وسعت ناحیه حکومت اقلیم کردستان ۶۴۳/۴۰ کیلومتر با جمعیتی نزدیک به ۴ بیلیون نفر به پایتختی اربیل (هولیر) است؛ (قربان‌شیرین و قدمی، ۱۳۹۱: ۶۰)
- ۵- حمایت کشورهای آلمان، فرانسه و آمریکا از تشکیل یک کشور کردی در خاورمیانه.
- ۶- کردها در امتداد مرزهای ترکیه، ایران، عراق و سوریه قرار دارند. خودمختاری و استقلال کردها در شمال عراق می‌تواند ترکیه، ایران و سوریه را با بحران‌هایی جدی و شورش کردها در این کشورها مواجه سازد و موجب طرح خواسته‌های مشابه در مناطق کردنشین در کشورهای مذکور شود و تمامیت ارضی این کشورها را مورد تهدید قرار دهد. (اخوان کاظمی و عزیزی، ۱۳۹۰: ۱۴۸)





نقشه شماره ۲: کردستان بزرگ مورد ادعای کردهای ناسیونالیست

منبع: حافظنیا، ۱۳۸۱: ۱۶۷

## ۶. تجزیه و تحلیل

ت کثر و تنوع قومی- مذهبی یکی از ویژگی‌های جمعیتی کشور ایران است که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر بسیاری از جهت‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی کشور سایه انداخته است، به طور مشخص اقوامی چون آذری، کرد، لر، اعراب، ترکمن، بلوچ و تالش بخش عظیمی از جمعیت کشور را در کنار اکثریت نسبی فارس پوشش داده‌اند. اغلب این اقوام نیز به مرحله خود آگاهی قومی رسیده و خود را به عنوان پاره فرهنگ‌های مجزا از فرهنگ ملی قلمداد می‌کنند. همچنین علاوه بر اقلیت‌های زرتشتی، کلیمی و ارمنی به عنوان اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی (ماده ۱۳) می‌توان با توجه به وجود مذهب رسمی در کشور و اختصاص برخی منابع کلیدی قدرت در میان پیروان این مذهب، پیروان مذاهب اهل سنت در ایران را اقلیت خواند. (گودرزی، ۱۳۸۰: ۲۲۲) تنوع دینی، مذهبی، قومی، زبانی و فرهنگی ایران به گونه‌ای است که می‌توان گفت این کشور در مقایسه با بیش از ۲۰۰ واحد جغرافیایی- سیاسی فعلی جهان به طور نسبی از بیشترین گوناگونی‌ها برخوردار است. نام و هویت ایران، برخلاف بسیاری از کشورهای جهان، برگرفته از قوم، زبان، دین یا مذهب خاصی نیست و تقریباً در هیچ یک از پیروان ادیان و مذاهب مختلف و اقوام که به زبان‌ها و گویش‌های گوناگون در این سرزمین تکلم می‌کنند احساس بیگانگی را بر نمی‌انگیزد. هویت ایرانی در برگیرنده همه ایرانیان صرف‌نظر از اعتقادات دینی و مذهبی، قومیت، زبان یا گویش آنان است. این وضعیت تقریباً منحصر به فرد است، بویژه با توجه به این نکته که ایران اساساً خواستگاه برخی از ادیان و غالب زبان‌های رایج در این سرزمین و وطن بومی بیشتر اقوام ساکن در آن می‌باشد. (خالدی، ۱۳۸۸: ۱۳۲-۱۳۱)

«تهدید قومی تابعی از تعداد اقوام و خواسته‌های متفاوت مورد نظر آنان در ارتباط با حکومت مرکزی است. در ایران، انگیزه-ها، اهداف، اراده و خواست اقوام تشکیل دهنده کشور طی روندی طولانی مدت و یا از طریق ایفای نقش تاریخی قابل تشخیص است. عوامل ناحیه‌گرایی اقوام در ایران را با توجه به متغیرهای دخیل می‌توان در جدول شماره ۲ مشاهده کرد. در ترکیب ملت ایران پس از فارس‌ها، آذری‌ها در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و ادامه آنها در استان‌های زنجان،



قزوین و همدان گسترش یافته است. آذری‌ها در طول تاریخ در تداوم حکومت در ایران نقش بنیادی داشته‌اند و در قرن ۱۶ میلادی هسته تکوین ایران جدید بوده‌اند. در مرزهای غربی ایران اقوام کرد ساکن هستند. این اقوام نیز بخشی از هویت ایرانی می‌باشد که در خصیصه زبانی- مذهبی از دیگر بخش‌های ایران مستقل می‌باشند. نگاهی به وضعیت قومیت‌ها در ایران نشان می‌دهد، در دهه‌های اخیر وجود سه عامل باعث پیرنگ شدن مساله قومیت در ایران شده است: تحولات نظام بین‌الملل، نخبگان سیاسی و مدرنیسم و نوسازی.

بحران‌ها و رویدادهایی نظیر جنگ جهانی، زمینه‌ای در عرصه نظام بین‌الملل فراهم کرد که شوروی نیروهای خود را از آذربایجان خارج نکند و حکومت خودمختار مهاباد را به وجود آورد. کردها نیز متأثر از آذری‌ها، جمهوری خودمختار مهاباد را به وجود آوردند و از آنجا که دولت مرکزی ایران درگیر بحران‌های آن زمان بود، مشکل قومیت‌ها در آن منطقه بروز کرد. از سوی دیگر طی سالیان اخیر بارها مشاهده شده است نخبگان اقوام، طرح مطالبات قومی را به عنوان ابزاری برای تقویت پایگاه خود در میان جامعه مورد استفاده قرار داده‌اند. به علاوه مدرنیسم هم عامل دیگری است که ملاحظات قومی را در ایران تشدید می‌کند تا زمانی که نظام‌های اجتماعی مناطق مختلف کشور سنتی است، رفتارها و رویکردها نیز ملاحظات خاص قومیتی را ایجاد نمی‌کند اما خود به خود در تقابل با سنت‌ها و آداب و رسوم بومی و محلی قرار می‌گیرد. در واقع این تعارضی است که میان دولت مرکزی و بخش‌های سنتی جامعه ایجاد می‌شود اما در مناطقی که قومیت‌ها ساکن هستند رنگ و بوی مشکلات قومیتی نیز بیشتر می‌شود. (احمدنژاد، ۱۳۸۳: ۹۶)

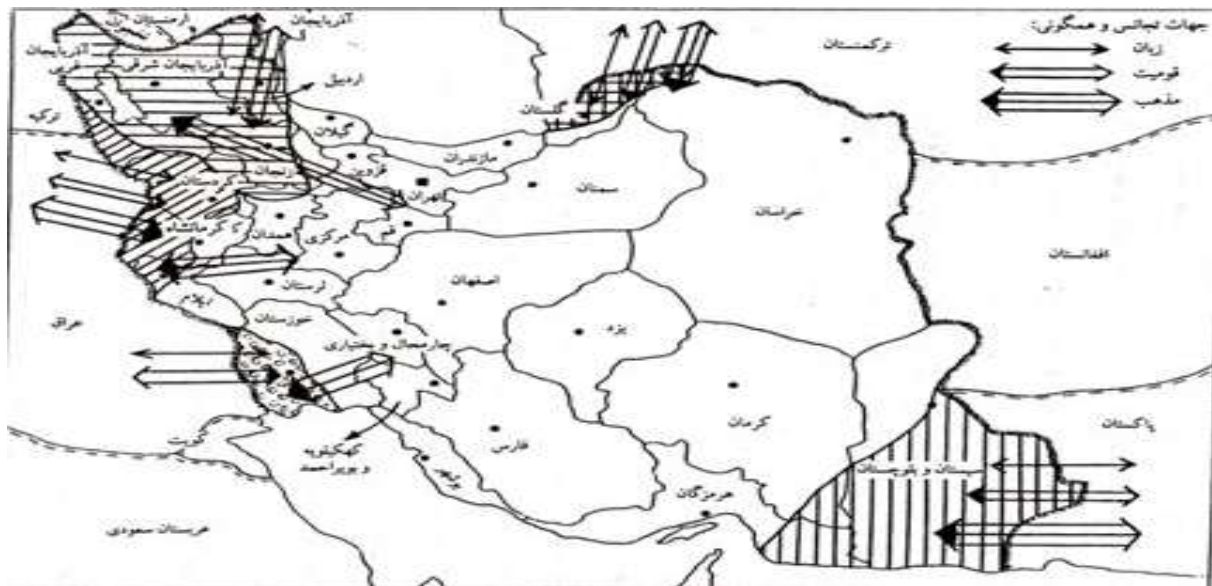
هر چند تجربه تاریخی اعراب در این زمینه چندان تأثیر گذار نبوده و با تحلیل موارد شاخصی چون غائله شیخ خزعل، تأثیر ناسیونالیسم عرب از سیاست‌های خارجی- به ویژه انگلستان- دیده می‌شود که به دنبال پیروزی انقلاب این مسأله رنگ باخته و شاهد احیای یک هویت ملی- مذهبی واحد می‌باشیم. این پدیده مهم سیاسی- اجتماعی امکان آن را فراهم می‌سازد تا نسبت به عدم فعالیت گسست عرب- فارس خوش‌بین بوده و احتمال وقوع رفتارهای خشونت‌آمیز را در آن جا کم ارزیابی کنیم. در این میان اگرچه عامل همجواری با دنیای عرب می‌تواند در تهییج ناسیونالیسم عرب تأثیر گذار افتد، ولیکن آرمان‌های شیعی و ملی حکومت اسلامی، از نیروی کافی برای خنثی کردن شعارهای ناسیونالیستی مطرح در حوزه کشورهای عربی برخوردار است. (مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸: ۴۳- ۴۱) بنابراین می‌توان گفت که خوزستان واجد پتانسیل نیروهای سیاسی مرکزگرا و مرکزگریز است؛ ولی نیروهای مرکزگرا به دلیل تجانس مذهبی و تاریخی خوزستان با بخش مرکزی و گسترش زبانه‌های بخش مرکزی در آن، همچنین تداوم تاریخی اتصال جغرافیایی آن به ایران، از قدرت زیادی برخوردار است؛ به طوری که توانایی غلبه بر نیروهای مرکزگریز را دارد. البته این بدان معنی نیست که برخی نخبگان منطقه‌ی خوزستان نسبت به مسایل منطقه‌ای، به ویژه زمانی که احساس کنند در حقیقت تبعیض و اجحاف رفته است، حساسیت ندارند؛ بلکه به عکس با وجود تعلق خاطر که به ایران نشان می‌دهند، دارای گرایش‌های خاص منطقه‌ای برای کسب آزادی عمل بیشتر در چهارچوب ترکیب جغرافیایی ایران هستند. برای مثال: برخی روشنفکران منطقه، از رئیس جمهور خواستار اجازه‌ی به کارگیری زبان عربی در محاوره و نوشتارهای رسمی و تدریس آن در مدارس مناطق عرب زبان در سال ۱۳۷۸ شده بودند. به علاوه در ماجرای بحران آب در آبادان در سال ۱۳۷۹ نسبت به انتقال آب سرشاخه‌های کارون به یزد، حساسیت‌هایی ابراز شد که نوعی واکنش منطقه‌ای در برابر سیاست دولت ملی به شمار می‌رود. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۷۳)

فهرست عوامل چالش‌زا برای قوم بلوچ، بر مطرح بودن گرایش‌های منفعل در منطقه دارد و این که به ویژه عوامل اقتصادی در این منطقه تأثیر گذار بوده و به نظر می‌رسد که عوامل اقتصادی، تحریک‌گر نارضایتی قومی هستند. گذشته از این، همسایگی این منطقه با پاکستان را نیز نباید نادیده انگاشت. این همجواری با عنایت به وجود مشکلات اقتصادی، می‌تواند در تهییج و



فعال سازی شکاف مؤثر باشد. اما در خصوص فعالیت عوامل هویت ساز، همچون زبان و نژاد، مشاهده می شود که فرهنگ ایرانی سلطه کامل دارد و بنابراین از این حیث خطری در میان نیست.

گسست قومی کرد- فارس از جمله گسست هایی است که با توجه به همجواری مناطق کردنشین ایران با کردستان عراق و ترکیه و این واقعیت که دول مزبور به دنبال تحصیل منافع خاص خود به کمک اهرم قومیت ها و درگیر ساختن ایران با موضوع استقلال قوم کرد بوده اند، از حساسیت ویژه ای برخوردار می باشد. تحلیل نکردن صحیح این وقایع، می تواند بروز خشونت هایی را از قبیل آنچه بعد از دستگیری اوجالان در مناطق کردنشین ایران روی داد، به دنبال داشته باشد. (مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸: ۴۰) در ارتباط با کردستان بزرگ کاپلان چنین استدلال کرده است که مطمئناً قدرت از جنوب به شمال خاورمیانه در حرکت است، از حوزه های نفتی دهلران در خلیج فارس به دشتهای پر آب هران در آناتولی جنوبی و نزدیک مقر سد آتاتورک. وی تردید خود را در این مورد که دولت ملی ترکیه در آینده نیز وارث این ثروت باشد اعلام کرده است و در ادامه می گوید که مجتمع بزرگ نیروگاه آبی سد آتاتورک در جنوب شرقی ترکیه که به طور کامل کردنشین است واقع شده است و در نتیجه منازعه کرد و ترک به نظر او برای آینده خاورمیانه بحرانی تر از نتیجه نهایی موافقت نامه صلح اسرائیل و فلسطین خواهد بود. (کاپلان، ۱۳۸۰: ۴۳۹-۴۳۷)



نقشه شماره ۳: الگوی نسبت های تجانس بخش مرکزی و پیرامونی ملت ایران

منبع: حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۵۸

## ۷. نتیجه گیری

در چهار گوشه سرزمین ایران اقوام مختلفی ساکن هستند. در شمال و شمال شرقی ایران در استان گلستان و بخشی از استان خراسان شمالی قوم ترکمن ساکن هستند. قلمرو فضایی این قوم از شرق دریای مازندران آغاز و به سمت آسیای مرکزی گسترش می یابد. ترکمن های ایران در سه خصیصه زبان، نژاد و مذهب از بخش مرکزی ایران متمایزند و با کشور ترکمنستان در این سه خصیصه مشترک می باشند. در جنوب و جنوب شرق ایران که از مناطق محروم کشور می باشد جبر جغرافیایی نیز به



این عدم توسعه کمک کرده است و محیط طبیعی غیرمساعدی را به وجود آورده است، قوم بلوچ در این منطقه ساکن می-باشد. دوری از مرکز کشور، عوامل جغرافیایی، عدم دستیابی به مشاغل بالای حکومتی و عوامل تقویت کننده مرکزگرایی، باعث شده است تا این قوم خود را در سرنوشت ملی کشور کمتر شریک بدانند و در تحولات بزرگ اجتماعی ایران نقش قابل توجهی به عهده نگیرند. در جنوب غرب ایران در استان خوزستان، در یکصد سال اخیر به دلیل کشف نفت و موقعیت سوق الجیشی که دارد از اهمیت بیشتری برخوردار می-باشد. در این بخش از ایران، قوم عرب سکونت دارند. بنابراین با توجه به یافته‌های تحقیق، در این اقوام چندگانه‌ای سکونت دارند که این تنوع قومی به همراه تنوع مذهبی و پراکنش جغرافیایی، بعضاً باعث ایجاد چالش برای حکومت مرکزی گردیده است. پراکنش اقوام در چهار گوشه سرزمین ایران و همگونی آنها با مردم کشورهای همسایه، موقعیت ویژه‌ای را به وجود آورده است. با توجه به این، از دیدگاه ژئوپلیتیکی، قوم کرد، از نظر ایجاد چالش برای جدایی طلبی دارای پتانسیل‌های بیشتری نسبت به بقیه اقوام می-باشد.

## ۸. راهکارها و پیشنهادات

- برنامه‌ریزی جامع و کامل در جهت توسعه همه نواحی فرهنگی و قومی و مذهبی در گستره جغرافیایی سرزمینی ایران؛
- ایجاد زمینه‌های لازم در جهت دستیابی و رسیدن نخبگان همه اقوام در رده‌های بالای دولتی؛
- برنامه‌ریزی در جهت برقراری ارتباط همه‌ی اقوام با یکدیگر مثلاً از طریق جذب دانشجو در مناطق مختلف و شهرهای مختلف، احداث جاده و راههای ارتباطی مناسب میان شهرها؛
- اشاعه فرهنگ و خصوصیات اجتماعی اقوام در میان کلیه مردم کشور، هر کدام از اقوام درون کشور از خصوصیات اجتماعی فرهنگی دیگر اقوام به شکل نهادینه و سازمانی آگاه شوند.

## منابع و مأخذ

۱. احمدی، حمید (۱۳۸۶)، «مدخلی بر واکاوی پدیده قوم‌گرایی در سپهر جهانی شدن (تجربه منطقه‌ای ایران، ترکیه و عراق)»، فصلنامه سیاست داخلی، سال اول، شماره سوم، تابستان
۲. احمدی، سیدمحمد (۱۳۸۷)، «فساد، تبعیض و فقر؛ موانع اساسی توسعه در ایران»، مجموعه مقالات چالش‌های اجتماعی ایران، مؤسسه انتشاراتی کمیل
۳. احمدنژاد، علیرضا (۱۳۸۳)، «جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران به راهنمایی دکتر زهرا پیشگاهی‌فرد
۴. اخوان کاظمی، مسعود و عزیز، پروانه (۱۳۹۰)، «کردستان عراق؛ هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل»، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۰، پاییز
۵. امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۷)، «قومیت و امنیت (تأثیر سیاست‌های قومی رژیم پهلوی در پیدایش جنبش‌های قومی دسته جمعی در ایران)» ترجمه‌ی حسن شفیعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، تابستان





۶. امیرکافی، محمد و حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۲)، «نسبت هویت قومی و ملی در جامعه چند قومیتی ایران: بررسی و مقایسه سه رهیافت نظری»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۶
۷. برادن، کتلین و شلی، فرد (۱۳۸۳)، «ژئوپلیتیک فراگیر»، ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، تهران: انتشارات دوره عالی جنگ، چاپ اول
۸. پیشگاهی، فرد، زهرا (۱۳۸۶)، «فرهنگ جغرافیای سیاسی»، تهران: انتشارات انتخاب، چاپ اول
۹. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، «جغرافیای سیاسی ایران»، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول
۱۰. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، «اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک»، مشهد: انتشارات پاپلی، چاپ اول
۱۱. خالدی، حسین (۱۳۸۸)، «تحلیل ژئوپلیتیک خودگردانی شمال عراق و تأثیر آن بر حرکت‌های قومگرایانه پیرامونی با تأکید بر ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، رهنما: دکتر حمیدرضا محمدی، مشاور: دکتر علیرضا محرابی
۱۲. دهشیار، حسین (۱۳۸۴)، «ناآرامی‌های فرانسه، ریشه‌ها و پیامدهای داخلی و بین‌المللی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیستم، شماره‌ی اول و دوم، مهر و آبان
۱۳. سعیدامامی، کاووس (۱۳۷۷)، «یکپارچگی ملی و رشد هویت قومی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول
۱۴. غلامحسینی، اسماعیل و دیگران (۱۳۸۹)، «بررسی نقش هویت قومی بر امنیت مرزهای ج.ا.ا»، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، سال هفدهم، شماره ۶۱، تابستان
۱۵. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۹)، «مدل ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی خاورمیانه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی، سال ششم، شماره دوم، تابستان
۱۶. قربان‌شیرین، ارسلان و قدمی، اکرم (۱۳۹۱)، «بررسی راهبرد سیاست خارجی آمریکا در کردستان عراق و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۲، بهار
۱۷. کاپلان، رابرت (۱۳۸۰)، «هرج و مرج آینده؛ ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم»، ژناروند اتوتایل و دیگران، ترجمه: محمدرضا حافظنیا و هاشم نصیری، وزارت امور خارجه، تهران
۱۸. گودرزی، حسین (۱۳۸۰)، «توسعه سیاسی و مشارکت پذیری جامعه کرد ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۹، پاییز ۸۰
۱۹. ؛ «ظرفیت طبیعی امنیتی (مورد مطالعاتی قومیت و خشونت در ایران)» (۱۳۷۸)؛ فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶، پاییز و زمستان
۲۰. مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، «درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی»، ترجمه‌ی دره میرحیدر با همکاری رحیم صفوی؛ تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول
۲۱. میرحیدر، دره (۱۳۷۸)، «اصول و مبانی جغرافیای سیاسی»، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول



۲۲. محمدی، حمیدرضا و دیگران (۱۳۸۷)، «تحلیل جغرافیایی منابع تهدید ملی در ایران»، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال چهارم، شماره دوم، تابستان
۲۳. هاگت، پیتر (۱۳۷۹)، «جغرافیا ترکیبی نو»، ترجمه شاپور گودرزی نژاد؛ تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم، جلد اول
۲۴. هودر، راپرت (۱۳۸۶)، «جغرافیای توسعه در ایران و جهان»، ترجمه فضیله خانی و ناصر جوادی، تهران: انتشارات قومس، چاپ اول